

سرنوشت نامعلوم امتیازهای مادری

درباره تکلیف قانونی صدور شناسنامه ویژه برای مادران دارای سه فرزند و بیشتر که سرانجام خدماتش مشخص نیست

گزارش روز



میرتاج
قادر
خوب

عقل سلیم می گوید آن روز که قانون جوانی جمعیت را می نوشتند، بناند اشتند با افزایش فرزندآوری، والدین آن کودکان را سرگرم مشکلات خانه و خانواده کنند. به عبارت دیگر ترویج داشتن فرزندان بیشتر، قرار بود زندگی خانواده و همین طور جامعه را زیباتر کند اما به ظاهر همه این ها روی کاغذ بوده و در عمل خیلی از بندهای آن قانون، میان روزمرگی دستگاه های اجرایی یا بهانه نبود بودجه کافی، فراموش شده است. ماده ۲۵ قانون جوانی جمعیت، سازمان ثبت احوال کشور را مکلف کرده است که به منظور ایجاد سامانه پر خط برای معرفی و صدور شناسنامه ویژه مادران دارای سه فرزند یا بیشتر اقدام کند. این قابلیت به منظور استفاده خانواده های پر جمعیت از تسهیلات و امکانات تفریحی، آموزشی و شهری در نظر گرفته شده، اما اینکه تا به حال چقدر اجرایی شده است یا مادران دارای سه فرزند و بیشتر از آن اطلاعی دارند یا خیر، در جست و جویی کوتاه بررسی کرده ایم.

کوتاه ولی شفاف

در این بند از قانون جوانی جمعیت به نیم بها شدن بلیت سینما و هزینه خدمات فرهنگی و تفریحی بخش دولتی و عمومی برای مادران دارای سه فرزند و بیشتر اشاره شده است. دستگاه های مربوط، موظف هستند اقدامات زیر را برای دارندگان شناسنامه، به همراه اعضای خانواده انجام دهند:

- نیم بها بودن ورودی همه اماکن و بناهای تاریخی فرهنگی و موزه های تابعه وزارت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری و دستگاه های اجرایی موضوع ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری.

- نیم بها بودن خدمات حمل و نقل عمومی شهری و تعرفه های فرهنگی، ورزشی و تفریحی شهرداری ها و دستگاه های اجرایی موضوع ماده ۵ قانون مدیریت خدمات کشوری.

- نیم بها بودن بلیت سینماها، یک بار در هر ماه.

- تخفیف ۲۰ درصدی دوره های آموزشی، تربیتی و هنری کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان برای استفاده فرزندان.

مرور ساده بندهای فوق هم به اندازه کافی گویاست و مشخص می کند که دقیقاً قرار است برای مادران، شرایط تفریح و آموزش را آسان تر کند اما اینکه چقدر این پیام به گوش آن ها رسیده است و این را که چه تعداد از آن استفاده کرده اند، از چند شهروند جویا می شویم. نرجس یک مادر بیست و شش ساله است. پنج سال پیش و در زایمان اول، صاحب یک سه قلو ی دختر شد و چند ماه پیش هم فرزند چهارمش را به دنیا آورد. چند قلوها آن قدر وقتش را می گیرند که زیاد اهل تفریح کردن نیست: «با وجود بچه ها، بیرون رفتن سخت است اما همان چندمرتبه هم که رفته ایم، اگر بلیتی داشته، پرداخت کرده ایم. تا به حال نشنیده بودم چنین امکاناتی وجود داشته باشد». به گفته خودش، خانه شان در بولوار طبرسی شمالی است ولی اگر چنین تسهیلاتی وجود داشته باشد، هرجای شهر باشد، می رود: «خانواده هایی که چند بچه دارند، نمی توانند هزینه خیلی از تفریحات یا کلاس های تابستانی را بدهند. ما برای این امکانات، صاحب بچه نشده ایم اما اگر این قانون را اجرا کنند، بچه های ما هم مثل بقیه، تفریح می کنند». مطهره دو هفته است که فرزند پنجمش را به دنیا آورده است، اما برخلاف نرجس، از آن مادرانی نیست که در خانه بنشیند. فامیل و آشنا هم می داند که از هیچ مهمانی وگردشی نمی گذرد. خودش می گوید: هفته پیش با شوهرم رفته ایم سینما. همین سه شنبه هم به بچه ها قول داده ام برویم سینما. بیرون رفتن با آن ها لذت بخش است. در روحیه مادر هم تأثیر دارد که بتواند امور بچه ها را با حال خوب اداره کند.

او هم از خدماتی که به مادران داده می شود، اطلاعی ندارد. تا به حال هیچ مرکزی از او کد ملی نخواسته است که برایش بلیت را نیم بها حساب کند.

همه چیز برخط است

با پیروین، زهرا و محبوبه هم که هرکدام بیش از سه فرزند دارند، گفت وگو می کنم. آن ها هم خبر این تسهیلات را شنیده اند و از هیچ خدمات نیم بهایی استفاده نکرده اند. همین تعداد را از میان جمعیت عادی، ملاک قرار می دهیم و برای ادامه گزارش به سراغ حسین الوندی، سرپرست معاونت فناوری اطلاعات ثبت احوال خراسان رضوی، می رویم تا درباره سامانه برخط بپرسیم. او می گوید: طبق قانون، برای اینکه مادران بتوانند از بهره های اقتصادی استفاده کنند، بنا بود شناسنامه ای برای آن ها صادر شود. پس از آن تصویب شد سازمان هایی که قرار است این امتیازات را به مادران بدهند، هرکدام از ثبت احوال لیست بگیرند و برابر آن اقدام کنند تا هزینه دیگری از بابت چاپ شناسنامه به دولت تحمیل نشود. او اضافه می کند: مثلاً اگر خودرو سازان بخواهند شرایطی را برای مادران دارای سه فرزند و بیشتر فراهم کنند، وظیفه دارند پس از ثبت نام، داده های متقاضیان را از سامانه ثبت احوال اعتبارسنجی کنند یا اگر قرار است زمینی به این مادران تعلق بگیرد، اداره کل راه و شهرسازی باید تأییدیه را از ثبت احوال بگیرد. به صورت برخط این اطلاعات در اختیارشان قرار داده می شود و می توانند استفاده کنند. بنابراین ما چیزی به عنوان شناسنامه فیزیکی جدا برای این مادران نداریم. این تصمیمی است که فراتر از ثبت احوال و در دولت گرفته شده است. سرپرست معاونت فناوری اطلاعات ثبت احوال استان با اشاره به این نکته که اکنون سازمان های مختلف می توانند استعلام بگیرند اما او اطلاعی درباره تعداد و موارد ندارد، می افزاید: اینکه به طور مثال ارشاد و سینماها چنین امتیازاتی را به مادران داده اند یا خیر، اطلاع ندارم. فقط می دانم که سازمان های دولتی به صورت برخط به سامانه ثبت احوال متصل هستند و برخی سازمان ها هم به صورت آفلاین می توانند از ما استعلام بگیرند. مرکزی همچون ایران خودرو و سایپا لیست مادران را فرستادند و تأییدیه گرفتند. تقریباً همه دستگاه های دولتی به شبکه ملی اطلاعات، متصل هستند و به آسانی می شود مشخص کرد که مراجعه کننده دارای این ویژگی هست یا خیر.

تابستان؛ فرصت آزمون دستگاه ها

هراندازه از سال خوردگی جمعیت نگران هستیم و هشدار می دهیم، باید بیش از آن برای تشویق به فرزندآوری تلاش کنیم و این تلاش ها کافی نیست تا زمانی که همسران بدانند داشتن یک فرزند بیشتر، باعث محرومیت بیشتر آنان از خدمات اجتماعی و انزوا نخواهد شد. در غیر این صورت ترویج فرزندآوری به تنهایی با وجود افزایش سن ازدواج و در شرایط اقتصادی کنونی برای والدین، هیچ توجیهی ندارد. وقتی از سال ۱۴۰۰ تاکنون به اندازه ای امتیاز به مادران نداده ایم که خودشان را ویزه بدانند و مطالبه کننده سهم خود باشند، چگونه می توان به آمار افزایش جمعیت، دلخوش بود؟ ایجاد تسهیلات تنها اعطای زمین یا ثبت نام برای اعطای خودرو نیست که قرار است هزینه اش را هم خودشان با اقساط بپردازند. استفاده از خدمات تفریحی به ویژه با آغاز فصل تابستان، امکانات ورزشی و بسیاری مزایای دیگر، کمک بسیاری به افزایش روحیه و حس خودارزشمندی این مادران و فرزندانشان می کند. به جای پیش داوری، می خواهیم امیدوار باشیم که اگر در ماه های گذشته هم تسهیلاتی فراهم نشده بود، تابستان امسال سازمان ها و ارگان های دولتی این امکان را برای مادران دارای سه فرزند و اعضای خانواده شان، تدارک ببینند؛ در این صورت هم دیدنی است و هم تعریف کردنی.



یادداشت

ریزپردازی های اجتماعی در برابر ریزپرنده های دشمن

محمدرضا شهیدی | واقعیت ها را باید درست فهم کرد تا «غیرواقعی» را برای ما به عنوان واقعیتی انکارناپذیر، جا زنند. جنگ امروز بسیار بیشتر از اینکه نظامی باشد، ادراکی است. بیش و حتی پیش از آنکه زمین هدف باشد، ذهن و ضمیر، سیبل قرار می گیرد، حتی می توان گفت بخش نظامی جنگ هم در خدمت بخش ادراکی است؛ چون خوب می داند که اگر بنیاد این بخش رفیع و مصون بماند، بخش سخت جنگ، تحمیلش آسان خواهد شد. ما جنگ ندیده نیستیم. در جنگ هشت ساله، شهرهای ما نه توسط ریزپرنده که به وسیله بمب افکن ها و موشک ها هدف قرار می گرفت اما مردم ما از میان خاکستر و آتش، قفقوس وار قد می کشیدند. جنگ شهرها را البته در جبهه و خط مقدم جبران می کردیم، تسویه حساب را نقدانقد انجام می دادیم. همین نمی گذاشت که در مرگباران های خود هم، دشمن دستش جلو باشد. آن روز البته رسانه ها محدود و محدود بودند. میان لحظات مردم و رسانه، این همانی نبود. مردم به کلمات و تصاویر سوشال مدیا، نفس نمی کشیدند؛ به همین خاطر بود که در ادراک جامعه، تغییر چندانی رخ نمی داد. امروز اما همه چیز متفاوت است. فقط زمین است که ثابت مانده اما زمینه ها بسیار و بازمهم بسیار تغییر کرده است. آدم های یک خانه که باید خانواده خوانده شوند، با وجود اینکه در کنار هم هستند و بر یک سفره می نشینند، نظام ادراکی شان گاه بسیار با هم فاصله دارد. این است که کار امروز خیلی تر از خیلی مشکل می شود. اما ما مردمان دوران سخت هستیم. قطعا بلای «ریزپرنده ها» را هم «ریزپردازی» خواهیم کرد و با تحلیل درست به جایی خواهیم رسید که گونه گونی نظرات، وحدت در هدف و راتحت تأثیر قرار ندهد. متفاوتیم اما وطن واحد است؛ واحد همسان سازی که با وجود تفاوت، می تواند اختلاف ها و حتی تضاد دیدگاه ها را کنار هم قرار دهد. اگر رسانه های گوناگون را رصد کنیم، به عینه می بینیم بسیاری از کسانی که تا دیروز، در جایگاه منتقد، محکم می ایستادند و حتی به عنوان مخالف، راهشان به زندان ختم می شد، امروز به نام وطن و هموطنان، سینه سپر می کنند. این تجربه دیرین ایرانی دوباره دارد تکرار می شود و می بینیم که افراد با فراموشی گذشته یا لاقابل کنار گذاشتن موقت تفاوت ها، دارند یکپارچگی ایران را نماد و نشان می شوند؛ تهدیدی که دشمن ساخت، دارد به فرصتی قیمتی تبدیل می شود. همه می دانیم که دشمن هرگز دوست نمی شود. دوستی نمایی او پوسنی است. چون دریده شود، خواهیم دید زیر پوست آهو، گرگ و کفتار دندان می ساید. آنان که به آهوپرداری، محو چشمانش شوند، خود اولین کسانی خواهند بود که دریده می شوند. کسانی که ذهنشان تصرف شود، خانه شان هم به تصرف کسانی درخواهد آمد که ذاتاً اشغالگر به دنیا می آیند. ما اما همه این ها را می دانیم. غافلتمان را هم بیدار می کنیم. نمی گذاریم دشمن در جنگ ادراکی، اقدامی موفق داشته باشد. نظامیان ما بلدند نظام های صهیون ساخته را چنان برهم زنند که نسیم به عزت در پرچم همیشه در اهتزاز ایران بوزد.

روایت روز

نشانه ها و امیدها

دستش را روی شکمش گذاشته است و گویی زیرلب با جگرگوشه ای که در خود دارد، زمزمه می کند. در همان حال انگار یک گوشش هم به مکالمه دو خانم کناری اش است که از تازه ترین شنیده هایشان از حمله اسرائیل می گویند. انگار دنبال بهانه ای تا سر صحبت را با کسی باز کند و از درد دلش بگوید. می پرد وسط حرفشان و می گوید صبح جمعه وقتی خبر را شنیدم، آن قدر استرس داشتم که بعد از آن، دیگر تکان های بچه را احساس نکردم. بعضی که تا آن لحظه برای فرو خوردنش تلاش می کرد، ناگهان می ترکد و چشم هایش به اشک می نشیند. در همان حال ادامه می دهد: هشت ماه است که برای تولدش، رؤیاهایافته ام اما الان نمی دانم که اصلاً زنده است یا نه. حالا هم آمدم سونوگرافی تا از سلامتش خاطر جمع شوم، ولی دیگر نمی خواهم از جنگ چیزی بخوانم یا بشنوم.

گوشم را تیزتر می کنم تا مکالمه شان را بهتر بشنوم. یکی از آن دو خانم که پیش تر از انفجار انبار نفت شهران می گفت و اینکه گفته اند این انبار، بنزین بخش زیادی از تهران را تأمین می کرده است، حالا به زن جوان قوت قلب می دهد و امید. آن دیگری هم تا الان از استرس های این چندروزه می گفت و دلشوره اش برای عزیزی که در پایتخت ساکن است و از دیشب از حالش خبر ندارد. به زن جوان می گوید که نگران نباشد.

در مترو هم گوشم به حرف های جوانی است که به نقل از سخنگوی دولت می گوید ایستگاه های مترو تهران از امشب برای پناه گرفتن مردم بیست و چهارساعته فعال هستند؛ واکنش دوستش را هم می شنوم که با دل نگرانی ای که در چشم هایش پیداست، می گوید: «می گویند حمله اسرائیل تا چند هفته ادامه دارد». مرد سن و سال داری که به گفته خودش روزهای دفاع مقدس را به چشم دیده است، در پاسخ به مرد جوان می گوید: «دلت قُرس باشد جوان؛ این سرزمین بیدی نیست که با این بادها بلرزد».

در فضای مجازی هم وضعیت همین است و تقریباً همه از جنگ می گویند و می نویسند. برخی ها تازه ترین خبرها و فیلم های منتشرشده از جنگ را با دیگران به اشتراک می گذارند و برخی هم تحلیل هایی که دست به دست می چرخد. آنچه عیان به نظر می رسد، این است که در میانه این هیاهو و خبرها از خون هایی که بی گناه ریخته می شود، مردم در جست وجوی آرامش هستند و روزه ای که نور امید به قلبشان بتا باند و دلشان را گرم کند. مردم در این روزهای پراضطراب به دنبال نشانه ای هستند که از آرامش و امید حکایت داشته باشد. من این نشانه را در همان اتاق انتظار سونوگرافی می بینم وقتی که زن جوان با لیخندی پرفروغ و چشمانی که این بار از اشک شوق خیس است، از اتاق سونوگرافی بیرون می آید و با خوشحالی به همان دو خانم که هنوز منتظر هستند تا نوبتشان شود، می گوید که حال چنیش خوب است. یکی از خانم ها در واکنش به زن جوان با خوشحالی می گوید: «همه چی درست می شه؛ همین نشونه برامون کافی».

روی خط جامعه

دسترسی عادلانه به خدمات سلامت با «پزشکی خانواده»

ایستاد وزیر بهداشت هدف اول و اصلی اجرای پزشکی خانواده و نظام راجع را ایجاد دسترسی عادلانه برای همه آحاد مردم به ویژه اقشار نیازمند دانست و گفت: همچنین با اجرای این طرح، باید مدیریت منابع برای جلوگیری از تقاضاهای القایی، صورت گیرد.

محمدرضا ظفرقندی تأکید کرد: نگاه ما این است که همه مردم به ویژه اقشار محروم و نیازمند از مسیر راجع و پزشکی خانواده، از خدمات بهداشتی و درمانی بهره مند شوند و با خیال راحت بتوانند بدون تحمیل هزینه های کمرشکن، خدمات را دریافت کنند.

وی از اجرای آزمایشی این طرح در برخی مناطق کشور در آینده نزدیک خبر داد و گفت: به یک باره قصد نداریم ۳۰ میلیون نفر جمعیت ساکن در روستاها و شهرهای کمتر از ۲۰ هزار نفر را تحت پوشش این برنامه قرار دهیم و اولویت اجرا با مناطقی است که امکانات، زیرساخت ها و با خورد در آن ها فراهم تر باشد و بعد به مرور در دیگر مناطق نیز اجرایی می شود.